

دام تکفیر

و مابین به دار رحمان به کار شیطان

www.ketab.ir

خاطرات تشکیلاتی لقمان امینی

شابک	: 978-600-8446-01-9
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۵۱۳۵۱۳
عنوان و نام پدیدآور	: دلم تکفیر/لقمان امینی
مشخصات نشر	: تهران: کلام ماندگار، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۳۸۰ ص.
یادداشت	: کتابنامه: به صورت زیرنویس.
موضوع	: داعش
موضوع	: IS (Organization)
موضوع	: بنیادگرایی اسلامی -- تاریخ -- قرن ۲۱م.
موضوع	: fundamentalism -- History -- 21st century
موضوع	: وهابیه
موضوع	: Wahhabiyah
موضوع	: سلفیه
موضوع	: Salafiyah
رده بندی دیویی	: ۳۹۷/۴۸۲
رده بندی کتاب	: ۱۳۹۵ / ۵۲ الف / ۳ BP۳۳۳
سرشناسه	: امینی، لقمان، ۱۳۶۵ -
وضعیت فهرست نویسی	: فیفا

دام تکفیر/ خطرات تشکیلاتی لقمان امینی

تالیف: لقمان امینی، امیر سالاروند

صفحه آرا: مصطفی ذوالفقاری

ویراستار: حمیدرضا نوری

ناشر: کلام ماندگار

ویرایش اول / چاپ اول / ۱۳۹۵

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۸۰۰۰۰ ریال

کلیه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است.

۸	مقدمه
۱۰	پیشگفتار
۱۴	فصل اول: «اسارت در دام تکفیر»
۱۵	آغاز یک وهابی
۳۳	تروریسم فرجام وهابیت
۴۱	ترور و حاکم
۴۸	سرقت به نام غنیمت
۷۴	فصل دوم: «نغمه های رهاری»
۷۵	علمایی که اهل عمل بودند
۸۲	آیا قسم به غیر خدا شرک است
۸۵	حکم به ظاهر
۸۷	عذر به جهل
۹۱	آیا تارک الصلاة کافر است؟
۹۸	عبادت و شرک
۱۰۴	توسل
۱۰۵	آیا مردگان می شنوند؟
۱۱۳	وسیله
۱۲۰	آیا دعا همان عبادت است؟
۱۳۳	اقوال برخی از علما در مورد توسل
۱۳۷	ایاک نعبد و ایاک نستعین
۱۴۱	سلفی یا وهابی

۱۴۶.....	احکام اسلامی.....
۱۵۵.....	مجلس، قانون اساسی و نوع حکومت در ایران.....
۱۵۷.....	تحریف قرآن، توهین به مقدسات و همسران پیامبر (صلی الله علیه وآله).....
۱۶۲.....	زیارت قبور.....
۱۶۳.....	حقیقت جهاد.....
۱۶۹.....	نسب، شرک و کفر به والدین پیامبران (علیهم السلام).....
۱۸۲.....	رواز شماره (Q33NY) یا همان (Q33NY).....
۱۹۴.....	فصل سوم: «قهی برای روز».....
۱۹۵.....	خلوتی برای تامل.....
۲۲۳.....	داعش.....
۲۳۸.....	فصل چهارم: «دعوت به آزادگی».....
۲۳۹.....	مستتر همفر واقعیت یا توهم توطئه؟.....
۲۴۱.....	رد پای همفرها.....
۲۴۴.....	سخنی با وهابیان.....
۲۵۳.....	کلام آخر.....
۲۵۵.....	جواب آنچه گفتی را جز این نیست.....

مقدمه

کتاب دام «تکفیر» بر اساس خاطرات یکی از اعضای تشکیلاتی جداشده گروهک تروریستی شکست خورده «توحید و جهاد»، غریب کابور به نام «لقمان امینی» و به قلم خودش به رشته تحریر در آمده است.

لقمان امینی فرزند توفیق در خانواده‌ای ساده، مسیحی، کوش اهل سنت در سمنج در سال ۱۳۶۵ دیده به جهان گشوده است، لقمان تحصیلات خود را با مقطع دیپلم به پایان رسانده بود و قصد ورود به دانشگاه را داشت که توسط دوستانش به معروف از حضور در دانشگاه می‌شود، وی دو خواهر و یک برادر دارد و حاصل ازدواجش دو فرزند به نام یحیی و زهرا است.

لقمان امینی بنا به اظهاراتش به دلیل بی‌اطلاعی از واقعیت‌های «تفکروهاست»، در سن ۲۲ سالگی وارد گروهک تروریستی «توحید و جهاد» می‌شود و یکسال بعد با ورود به این گروهک تروریستی، مرتکب جنایاتی از قبیل ترور ماموستا شیخ الاسلام می‌گردد.

لقمان مدتی بعد از ورود خود در این گروهک تروریستی؛ متوجه تناقضات بسیاری در افکار، عقاید و عملکردهای سران گروه در طی حضور و فعالیتش می‌شود، وی با دیدن جریاناتی که توجیه آنها حتی در عقیده و هابیت هم سخت و دشوار بود، تصمیم به جدایی موقت از گروه می‌گیرد تا با تحقیق در مورد عقیده و عملکرد خود و باورهای تلقین شده از سوی فرماندهان و هیئت شرعی گروه، بار دیگر باورهای خود را مورد سنجش و تطبیق با قرآن و روایات نبوی قرار دهد.

لقمان پس از تحقیقات، مطالعه و جلسات مختلفی که با ماموستاها و طلبه‌های علوم دینی اهل

سنت داشت، به اشتباه خود در پیروی از باورهای «وهاییت» و «تکفیر» پی می‌برد و پس از ندامت و پشیمانی‌های حاصله از عملکرد خود، به دنبال راهی برای جبران اشتباهات خود بود تا اینکه سرانجام در سال ۱۳۸۹ دستگیر می‌شود.

لقمان امینی برای جبران گذشته پر خطای خود و آگاه‌سازی افرادی که در دام تکفیر قرار دارند، اقدام به نوشتن خاطرات خود نموده تا بلکه چراغ هدایتی برای افرادی باشد که طعمه تکفیر شده‌اند.

پیشگفتار

قَبِيْضُ عِبَادٍ * الَّذِيْنَ يَنْسُوْنَ اَسْوَلَ * يَتَّبِعُوْنَ اَحْسَنَهُ اَوْلِيْكَ الَّذِيْنَ هَدَاهُمُ اللّٰهُ وَاَوْلٰىكَ هُمْ اَوْلُو
الْاَنْبِيَاۡ

بشارت باد بر بندگانم * کسانی که سخنان را می شنوند و از بهترین آن پیروی می کنند، آنان
هدایت یافته گانند و ایشان اند صاحبان خرد!

جلوگیری از جهانی شدن اسلام، اصلی ترین هدف دشمنان اسلام است که با نقشه های گوناگون
برای اجرای آن کوشیده اند؛ دعوت به ملی گرایی، تحریف آموزه های دینی، ایجاد افراط و تفریط
در انتشار خرافه پرستی، شبهه افکنی، منسوخ دانستن اسلام و معرفی دینی جدید، دعوت به
ادیان گذشته، معرفی اسلام به عنوان ایدئولوژی بشری، انکار مداوم و خالصه دعوت به هر
چیز و هر فکری غیر از اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله).

اما در این میان هیچ سیاستی مانند سیاست «ایجاد تفرقه» و «جنگ اسلام علیه اسلام»، که
با شعار معروف «تفرقه بینداز و حکومت کن» شناخته می شود، کارساز نبوده است. ایجاد
تفرقه تاریخی به بلندای تاریخ بشر دارد و شیطان اولین کسی بود که با ایجاد تفرقه، برادرکشی
را در میان فرزندان آدم (علیه السلام) رواج داد^۱ و از آن روز به بعد ایجاد تفرقه از مشخصه های اصلی
طواغیت شد^۲، طواغیتی که سرپرست شان شیطان است و ابلیس خود به آن ها الهام کرده^۳ و

۱- بخش هایی از آیات ۱۷ و ۱۸ سوره مبارکه زمر

۲- اشاره به آیات ۲۷ تا ۳۰ سوره مبارکه مائده

۳- اشاره به آی ۴ سوره مبارکه قصص

۴- اشاره به آیه ۱۲۱ سوره مبارکه انعام

اصطلاحاً برایشان سیاست گذاری می‌کند، پس جای تعجب نیست که کفرها، شرک‌ها، اباه‌ها، استکبارها، فسادها، طغیان‌ها، جنایت‌ها، دشمنی‌ها و در کل هر آنچه انسان را از راه خداوند دور کرده است، به این شیوه باورنکردنی و در طول تاریخ به هم شبیه است و همواره ایجاد تفرقه یکی از اساسی‌ترین راه کارهای مستکبرین و طواغیت علیه ادیان توحیدی بوده است و تنها راه مبارزه با آن نیز اتحاد و یکپارچگی است.

اما با وجود تأکیدهای فراوان اسلام بر اتحاد و یکپارچگی، متأسفانه در میان مسلمانان همیشه گروهی دانسته یا ندانسته کاندیدای اجرای این نقشه‌ها و ایجاد تفرقه میان امت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌شوند. یکی از این گروه‌ها، فرقه ناخواسته و نخواست‌ه و هابیت است که با شعار تو مید و برداشتی سطحی از آموزه‌های اسلامی، سایر اهل اسلام را تکفیر کرده و دایره اسلام را به حد محدود کرده است که گاهی جایی برای خود آن‌ها هم در این اسلام معرفی شده توسط امثال محمد ابن عبدالوهاب پیدا نمی‌شود.

وهابیون امروری بی‌پیروی از اسلاف خوارج خود، که در طول تاریخ اسلام هر از چند گاهی خودی نشان داده و باعث ایجاد تفرقه میان مسلمانان شده‌اند، می‌کوشند آیاتی را که بر کفار نازل شده است بر مسلمانان اطلاق نموده، دشمنان اسلام را رها و به جان اسلام بی‌افتند تا در ایجاد تفرقه از گذشتگان سود عقب نمانند، همان‌هایی که رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در مورد آن‌ها می‌فرماید:

«سَيَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَوْمٌ أَحْدَابُ شِمَانٍ، سَفَرُ الْأَخْلَامِ، يَقُولُونَ مِنْ خَيْرِ قَوْلِ الْبَرِيَّةِ، يَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ لَا يَجَاوِزُ حَنَاجِرَهُمْ، يَمُوقُونَ مِنَ الدِّينِ كَمَا يَمُوقُ السَّهْمُ مِنَ الرَّوْيَةِ، فَيُؤَادُ لِقَيْمُوهُمْ فَاقْتُلُوهُمْ، فَبِأَن فِي قَتْلِهِمْ أَجْرًا، لِمَنْ قَتَلَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»

«در آخرالزمان گروهی پیدا می‌شوند که نورسیده و بوجوال، که به هم و کم عقل‌اند بهترین حرف‌ها را می‌زنند و قرآن می‌خوانند ولی از حلقومشان تجلیز نمی‌کند از دین خارج می‌شوند، همان‌گونه که تیر از کمان خارج می‌شود اگر آن‌ها را به تیر بکشند که قتل آن‌ها موجب پاداش از سوی خداوند برای روز قیامت است.»^۱

دشمنان اسلام که به‌خوبی نقش این گروه را در پیشبرد اهداف خود درک کرده‌اند، همیشه و همیشه با حمایت‌های بی‌دریغ از خوارج عصر جدید، دست به دامن این گروه شده‌اند تا شاید این بار با این نقشه بتوانند انتقام فتح خیبر و جنگ‌های صلیبی را از اسلام بگیرند. وهابیان که عملاً پیاده‌نظام کشورهای غربی شده‌اند، با شیوه‌های گوناگون هزاران نفر از جوانان ناآگاه را برای قتل عام برادران دینی خود به میادین برادرکشی فرستاده و راه را برای حضور نظامی غرب

۱. - در صحیح امام بخاری جلد ۹ باب «قتل الخوارج و الملاحدين بعد اقامة الحجة عليهم» صفحه ۱۶ آمده است: «وَكَانَ ابْنُ عَمْرٍو يَرَاهُمْ يَسْرَازُ خَلْقَ اللَّهِ، وَقَالَ: إِنَّهُمْ انْطَلَقُوا إِلَى آيَاتِ تَزَكَّتْ فِي الْكُفَّارِ، فَجَعَلُوا عَلَى الْمُؤْمِنِينَ»؛ «ابن عمر رضی الله عنه آنها [خوارج] را شرورترین مردم می‌دید و در مورد آن‌ها می‌فرمود: آنان آیاتی را که بر کفار نازل شده است بر ایمان داران اطلاق می‌کنند.»

۲. - صحیح مسلم احادیث شماره ۱۰۶۶ - ۱۰۶۷

در منطقه، به بهانه مبارزه با تروریسم، هموار کردند تا با کمترین هزینه، اسلام را نابود کنند و مسلمانان هم کاری جز آه کشیدن بر لاشه‌های به خون غلتیده برادران و خواهران‌شان در جای‌جای سرزمین‌های اسلامی نداشته باشند.

و این بار قرعه تفرقه و برادرکشی به نام گروه‌های اهل سنت ایران افتاد و در راستای حوادث سال ۸۸، وهابیت نیز همسویا چیدمان جبهه ضد اسلامی و با هدف براندازی جمهوری اسلامی ایران و از بین بردن رهبری محصور مقاومت ضد صهیونیسم، بعد از سفر سال ۸۸ رهبری به سندج محور اصلی سخنان ایشان را هدف قرار داده و داعیان وحدت ماموستای شهید شیخ الاسلام و ماموستای شهید برهان عالی را ترور کردند تا با به شهادت رساندن داعیان وحدت آتش تفرقه را شعله‌ور کرده و مانع از تداوم وحدت شوند. غافل از اینکه این عزیزان اولین و آخرین شهدای راه وحدت و عزت مردم ایران نیستند و بصیرت مردم مسلمان ایران زمین همچنان خار چشم مستکبرین جهان خواهد ماند، همان مردمانی که رسول خدا (صلى الله عليه وآله) در مورد آن‌ها فرمود:

«اگر هدایت یمن، دین و علم به ثریا هم آویخته باشد مردانی از سرزمین فارس (ایران زمین) آن را با چنگ می‌آورند و از سرچشمه‌های آن خواهند نوشید.»^۱

«دام تکفیر» روایتی واقعی از زندگی شخصی است که در فراز و نشیب‌های زندگی خود قسمت‌های کوچکی از توطئه‌ها، دشمنان، امن است را لمس کرده و نهایتاً خود در «دام تکفیر» گرفتار، و وارد فرقه وهابیت می‌شود. اما این در اینک پل‌های پشت سر خود را ویران می‌بیند، به یاد می‌آورد؛ که هرگاه بندگان خداوند ایمان بیاورند و توبه کنند و عمل صالح انجام دهند خداوند پدی‌های‌شان را به نیکی مبدل خواهد کرد^۲، زیرا خداوند رحمت را بر خود واجب نموده است و هرگاه بندگان از روی جهل گناهی انجام دهند سپس توبه کرده و در صدد جبران آن باشند بخشیده خواهند شد، که پروردگار ما بخشنده و مهربان است^۳، و چون به غیر از کافران کسی از رحمت خداوند رشوف ناامید نمی‌شود^۴، رحمت هدایت‌انگیزه‌ای شد تا قسمت‌هایی از زندگی خود را به امید عفو الهی و گامی در مسیر جبران خطایس، به نگارش درآورد و «من جز اصلاح نمی‌خواهم و توفیقم فقط به یاری خداست به او توکل کرده‌ام و به سوی او باز می‌گردم.»^۵

در این کتاب نقل قول‌هایی از وهابیان آمده است که برای شناخت بیشتر این فرقه ناچار به بیان آن بوده‌ام و خدای ناخواسته قصد هیچ‌گونه توهینی به هیچ‌یک از فرقه‌های اسلامی را نداشته‌ام،

۱- صحیح بخاری حدیث شماره ۴۸۹۷- صحیح مسلم حدیث شماره ۲۵۴۶- سنن ترمذی حدیث شماره ۳۲۶۱- مسند احمد ابن حنبل احادیث شماره ۸۰۸۲، ۹۴۰۶، ۱۰۰۵۷، ۱۹۴۴۰ احادیث اسماعیل بن جعفر حدیث شماره ۴۴۷

۲- اشاره به آیه ۷۰ سوره مبارکه فرقان

۳- اشاره به آیه ۵۴ سوره مبارکه انعام

۴- اشاره به آیه ۸۷ سوره مبارکه یوسف

۵- سوره مبارکه هود آیه ۸۸

همچنین اسامی برخی از افراد بنا بر دلایلی موجه تغییر یافته است.

لازم به ذکر است از آنجایی که متأسفانه شهرت عقیده تکفیری «وهابیت» به نام «سلفیت» و «سلفی گری» باعث روا داشتن ظلمی آشکار در حق سلف صالح امت محمد (صلی الله علیه و آله) شده است در این کتاب پیروان این تفکر با اسم اصلی شان یعنی همان «وهابیت» معرفی می شوند.

با تشکر و قدردانی از تمام عزیزانی که به هر نحوی من را در نگارش این کتاب یاری رسانده اند و به این امید که با برداشتن پرده از برخی واقعیت های پنهان این عقیده، در حد توان خود مانع از گرفتار شدن سایر برادران و خواهرانم در «دام تکفیر» گشته و انگیزه ای برای سایر قریب خوردگان شود تا شاید شجاعت بیان حقایق را با وجود تمام تهدیدات داشته باشند.

لقمان امینی

۲۳ اسفندماه ۱۳۹۴

www.ketab.ir